

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع تحقیق:

چگونگی رسمیت و لازم الاجرا شدن معاهدات در

حقوق کنونی جمهوری اسلامی ایران

نام استاد: جناب آقای دکتر بردبار

نام دانشجو: عبدالعلی کلندی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

نیمه دوم سال تحصیلی ۱۳۸۵

فهرست

چگونگی رسمیت یافتن و لازم الاجرا شدن معاهدات در حقوق کنونی ایران

تعریف معاهده - توافق بین المللی

معاهده بین المللی

آزادی در کتبی بودن معاهده - انعقاد معاهده بین تابعان حقوق بین الملل

معاهده مشمول حقوق بین الملل - دو یا چند جانبه بودن معاهده

تعریف معاهده در حقوق ایران - در حقوق بین الملل اسلامی

انواع معاهدات در حقوق ایران

معاهدات رسمی (عهدنامه - مقاله نامه - موافقت نامه - پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی)

تفاهم نامه های بین المللی و انواع آن

مراحل تنظیم معاهدات رسمی در حقوق ایران

مذاکرات و امضاء مقدماتی

تصویب در مجلس - تأیید شورای نگهبان - امضاء رئیس جمهور

انتشار در روزنامه رسمی کشور

مبادله اسناد تصویب معاهده

مبادله اسناد تصویب شده

زمان لازم الاجرا شدن معاهده

« به نام خدا »

مقدمه

با استعانت جستن از درگاه ایزدمنان و در پرتو عنایات و الطاف بیکران الهی و همچنین یاری و مساعدت حضرت نبی اکرم (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام بویژه منجی عالم بشریت حضرت بقیه الله الاعظم مهدی موعود (عج) ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و همچنین رهنمودها و ارشادات استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر بردبار پس از مطالعه و بررسی و تحقیقات متعدد و فراوان در حد بضاعت طبع بدینوسیله ثمره تحقیق خود را در قالب سطوری بشرح آتی به رشته تقریر درآورده و امید آن دارم مورد رضای حق قرار گرفته و باعث توفیق حقیر و استاد ارجمندم از سوی حضرت باریتعالی گردد. موفقیت و پیروزی عموم مسلمین بویژه منتظران ظهور آقا امام زمان (عج) را از ایزد منان مسئلت دارم.

عبدالعلی کلندی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل

« بسم الله الرحمن الرحيم »

چگونگی رسمیت یافتن و لازم الاجرا شدن معاهدات در حقوق کنونی ایران

برای آگاهی یافتن از هر مطلب، عنوان و موضوعی اقتضاء دارد ابتدا در راستای شناخت اجمالی آن به تعریف و شناسایی آن توضیحاتی ارائه شود لذا در همین رابطه نخست لازم میدانم در خصوص کلمه "معاهده" توضیحاتی را ارائه و سپس در خصوص معانی مرتبط و اصطلاحی آن توضیحاتی را داشته باشم.

نخست کلمه معاهده

معاهده به معنای عهد و سوگند و پیمان و شرط. با یکدیگر عهد کردن. پیمان نمودن با کسی و سوگند خوردن. با کسی عهد کردن اسم نوعی از عقد صلح بین مسلمانان و غیر مسلمانان است که پیش از جنگ و یا به عنوان ختم جنگ منعقد می شود و نتیجه آن صلح موقت است. (به عکس عقد ذمه) و در متن عقد باید مدت آن معلوم گردد و عقد مذکور استقلال سیاسی خصم را از بین نمی برد و طرف این عقد ممکن است ذمی یا غیر ذمی باشد و پس از انعقاد عقد، طرف را معاهد نامیده اند، به جای معاهده لغت مهاده هم به کار رفته است در ترمینولوژی حقوقی تالیف دکتر جعفری لنگرودی به معنی عهد (در

مقابل نذر) است و همچنین در اصطلاح حقوق بین المللی به معنی قرارداد بین المللی

است. (۱) معاهده معادل Traite در زبان فرانسوی و Treaty در زبان انگلیسی می باشد.

۱- لغتنامه دهخدا ص ۶۸۱ ج ۴۴

تعریف معاهده در حقوق بین الملل ، حقوق ایران و فقه اسلامی

الف - در حقوق بین الملل

قبل از تدوین کنوانسیون وین ۱۹۶۹ درباره حقوق معاهدات ، اکثر حقوقدانان از " معاهده

" به عنوان مفهوم کلی و وسیله ای عام که کشورها بین خود با صور و اشکال متفاوت

ایجاد الزام می کنند ، یاد می نمودند ، (مانند اوپنهایم توسط اوترپاخت حقوق بین الملل

۱۲ شماره ۴۹۱ تا ۵۵۴ و ۵۶۹ تا ۵۸۰ ، ص ۸۷۷ به بعد و شارل روسو) ولی کنوانسیون

مزبور در ماده ۲ معاهده را نوعی " توافق بین المللی " تلقی نموده و مفهوم محدودتری را

برای آن شناخته است و ذیلاً به تعریف این دو واژه می پردازیم .

۱- توافق بین المللی

توافق بین المللی به معنی وسیع کلمه عبارت از عمل حقوقی است که از تعارضی دو یا

چند جانبه تابعان حقوق بین الملل ایجاد گردد و مشمول حقوق بین الملل باشد

براساس تعریف مذکور خصوصیات توافق بین المللی عبارتند از :

۱- هیچگونه شرط صوری (مثلاً کتبی بودن) برای توافق بین المللی لازم نمی باشد.

۲- بین تابعان حقوق بین الملل (و نه اشخاص خصوصی) منعقد شده باشد .

۳- مشمول حقوق بین الملل باشد (و نه حقوق داخلی یک کشور معین)

۴- دو یا چند جانبه باشد و نه یکجانبه

لازم است یادآوری گردد که برخلاف معاهده ، توافق بین المللی ممکن است شفاهی و یا حتی بطور ضمنی منعقد شده باشد .

* دیوان دائمی بین المللی دادگستری در رای مورخ ۱۹۳۳ در قضیه گرینلند شرقی

راجع به اختلاف بین دانمارک و نروژ بیانات شفاهی وزیر امور خارجه نروژ را که بنا

به درخواست نماینده دولت خارجی صادر شده است ، الزام آور تلقی کرده و بمنزله

انعقاد یک توافق بین المللی خوانده است . (آرای دیوان ، شماره 53 . A/B . ص ۷۱)

در خصوص ضمنی بودن توافق بین المللی نباید رضایت و توافق ضمنی Tacit

Consent دو کشور که ناشی از رفتار مشابه آنها می باشد با رضایت تلویحی

Tacit acquiescence که غیر مشخص بوده و تاحدی تخیلی و فرضی است اشتباه

کرد .

در بعضی موارد ممکن است حصول توافق بین المللی مبهم به نظر برسد و موجب

اشکال و اختلاف نظر گردد.

مثلاً در قضیه “ آمباتیه سوس ” در اختلاف بین یونان و انگلستان ، دیوان بین المللی دادگستری در رای مورخ ژوئیه ۱۹۵۳ ، اعلامیه مورخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۲۶ را که یونان بطور یکجانبه درباره صلاحیت رسیدگی به منازعات صادر نموده بود جزئی از توافق مندرج در عهدنامه ای که به تاریخ همان روز بین طرفین امضاء شده بود ، دانسته ، حال آنکه تعدادی از قضات دیوان اعلامیه مزبور را مستقل از معاهده اصلی تلقی نموده اند .

ماده ۹ پروتکل بروکسل مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۵۳ حاوی تصمیمات کنفرانس اروپائی وزرای ترابری در مورد تعهدات اقدامات خاص وزراء در کشورشان نیز قابل بحث و بررسی است که آیا یک تعهد لازم الاجرای حقوقی است یا یک تعهد اخلاقی gentleman agreement که دولت را از نظر بین المللی متعهد نمی سازد؟

۲- معاهده بین المللی

معاهده بین المللی به معنی عام کلمه ، نوعی توافق بین المللی است که به صورت کتبی بین تابعان حقوق بین الملل منعقد شده و مشمول حقوق مزبور نیز می باشد (ماده ۲ بند ۱ شق الف از کنوانسیونهای وین ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ مذکور)

بر این اساس نیز ، معاهده دارای خصوصیات زیر می باشد:

(۱) آزادی در نحوه کتبی بودن معاهده بین المللی (۲) بین تابعان حقوق بین الملل

منعقد شده باشد

(۳) مشمول حقوق بین الملل باشد (۴) دو یا چند جانبه باشد و نه یکجانبه

اول: آزادی در نحوه کتبی بودن معاهده .

هرچند معاهده باید به صورت کتبی باشد ، اما طبق ماده ۱۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ نحوه و شکل التزام، بسته به نظر و توافق کشورهای طرف آن است . و هیچگونه محدودیتی در این امر وجود ندارد .

در رویه دولتها و سازمانهای بین المللی و همچنین در رویه قضائی دادگاههای بین المللی عناوین متعدد (عهدنامه ، موافقتنامه ، پروتکل و ...) و روشهای مختلفی که درباره تعیین شکل و صورت معاهده ها انتخاب می شود ، تفاوت مهمی نیست و این اختلاف صوری در رابطه قراردادی بین کشورها چندان موثر نمی باشد. دیوان بین

المللی دادگستری در فضیبه افریقای جنوبی غربی در رای مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۶۲

خود، اعلام نموده است که کاربرد یک اصطلاح و عنوان خاص را روابط بین

کشورها، عامل اساسی در تعیین خصوصیت یک توافق یا تعهد بین المللی نیست.

معاهده ممکن است در اشکال و صور رسمی و تشریفاتی و در مراحل طولانی تنظیم

گردد و یا برعکس بسیار ساده و در مهلتی کم و بسرعت تهیه و امضاء شود. همچنین

معاهده ممکن است در یک سند واحد یا دو یا چند سند مجزا تنظیم گردد.

دوم: معاهده باید بین تابعان حقوق بین الملل منعقد گردد:

معاهده فقط بین دولتها و یا سازمانهای بین المللی منعقد می شود، اما اگر قرارها و

موافقتهایی بین یک دولت و یک قوم یا جمعیت و یا قبیله ای بیگانه که از نظر بین

المللی هویت مستقلی برای آنها شناخته نشده است حاصل گردد، چنین قرار و

موافقتی معاهده بین المللی و حتی توافق بین المللی - به معنایی که فوقاً بحث شد

خوانده نمی شود، زیرا یک طرف آن از تابعان حقوق بین الملل محسوب نمی شود

، زیرا یک طرف آن، از تابعان حقوق بین الملل محسوب نمی شود. همچنین

قراردادهای مختلف مانند اعطای امتیازات و غیره که بین دولت و یک شخص

حقیقی یا حقوقی خارجی (خصوصی) منعقد شود، معاهده بین المللی محسوب نمی

گردد (مانند قراردادهای نفتی دولت ایران و شرکتهای عضو کنسرسیوم، مورخ

(۱۳۳۳)

سوم: معاهده باید مشمول قواعد حقوق بین الملل باشد:

برخلاف قراردادهای بین المللی که عملاً مشمول مقررات حقوق داخلی یک کشور

معین می باشد، معاهده بین الملل تابع قواعد حقوق بین المللی است ماده ۲ (بند ۱

شق الف) کنوانسیونهای وین ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ معاهده را به معنی توافق بین المللی که

به صورت نوشته بین دولتها و یا سازمانهای بین المللی منعقد شده و تابع حقوق بین

الملل باشد. تعریف نموده است.

چهارم: معاهده باید دو یا چند جانبه باشد:

با توجه به این ویژگی معاهده چنین استنتاج میگردد که اعلام یکجانبه یا تعهد دولت

(مانند اعلامیه رئیس جمهور یا نخست وزیر) و یا حتی اقدامات و تصمیمات مشابه

دو دولت بدون اینکه نسبت به انجام آنها قبلاً توافق و تعهدی شده باشد نه یک

معاهده بین المللی محسوب می شود و نه حتی یک توافق بین المللی .

* دیوان بین المللی دادگستری در صفحه ۴۶ رای مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱ خود در

قضیه " آثار قضائی حضور مستمر افریقای جنوبی در نامیبیا " تصمیم یکجانبه یک

سازمان بین المللی در مورد تحت قیمومیت قراردادان یک سرزمین را منشا نوعی

توافق بین المللی دانسته است (تصریح امر در رای اولیه در همین قضیه که در تاریخ

۲۱ دسامبر ۱۹۶۲ صادر شده است.) اما دیوان در رای مورخ ۸ ژوئیه ۱۹۶۶ که در

مورد همین قضیه صادر نموده ، کشورهای عضو جامعه ملل را که اعطای قیومیت

سرزمین مزبور را امضا نموده اند ، طرفهای یک معاهده و حتی یک توافق بین

المللی ندانسته است (ص ۲۷ رای ۸ ژوئیه دیوان مذکور)

معاهده ذاتاً از یک توافق دو جانبه بین المللی تشکیل می شود و حتی از نظر

حقوقدانان ، اصولاً یک معاهده چند جانبه از تعدادی معاهده دو جانبه تشکیل شده

است ، اما بتدریج معاهده چند جانبه با شکل و محتوی خاص خود در سطح بین

المللی تدوین یافته و در نتیجه بیشتر به یک اقدام قانونگذاری شباهت یافته است تا

یک رابطه قراردادی.

(ب) تعریف معاهده در حقوق ایران

در کتب حقوق بین المللی عمومی که توسط نویسندگان ایرانی که اکثراً از کتب

حقوق غربی ترجمه شده است، تعاریف آشفته ای از معاهده به دست داده اند

نویسندگان ایرانی به اختلاط دو مفهوم " قرارداد " که در حقوق داخلی کاربرد دارد

و " معاهده " که در روابط بین المللی به کار می رود بر این آشفتگی افزوده اند .

بعنوان نمونه یکی از آنان در ذیل عنوان انواع منابع حقوق بین الملل نوشته است : "

قرارداد، توافق علنی بین دو یا چند موضوع حقوقی بین الملل می باشد که به دنبال آن حق و تکلیف مشخصی برای هر یک از طرفین قرارداد بوجود می آید. " که این تعریف ناقص و مبهمی است، زیرا علنی بودن از شرایط یک معاهده نمی باشد، خصوصاً اصل ۲۴ قانون اساسی سابق ایران مورخ ۱۳۲۴ هجری قمری، صریحاً استتار عهدنامه ها را مجاز دانسته بود.

اما شرط مهمی که توافق باید مشمول قواعد بین الملل باشد کمتر مورد توجه حقوقدانان ایرانی قرار گرفته است. لذا در حال حاضر معاهده به معنی خاص کلمه در حقوق کنونی ایران عبارتست از توافقی که بین کشور ایران و یک یا چند کشور خارجی و سازمانهای بین المللی به صورت کتبی منعقد شده، مشمول مقررات فراملی قرار گرفته و الزام آور بودن آن در ایران منوط به موافقت قوه مقننه باشد.

بنابراین تعریف در یک معاهده بین المللی طرف توافق، همیشه کشور جمهوری اسلامی ایران به معنای عام کلمه خواهد بود نه قوه مجریه. بعلاوه هم اکنون معاهدات در ایران الزاماً مشمول حقوق بین الملل نمی باشند، بلکه ممکن است مشمول حقوق اسلام باشند. (مانند موافقتنامه فرهنگی ایران و لیبی مورخ اسفند

۱۳۶۰ و موافقتنامه بلند مدت بازرگانی بین ایران و پاکستان مورخ ۱۳۶۰)

ج) تعریف معاهده در حقوق بین الملل اسلامی

در تاریخ اسلام بین حکومت اسلامی و سایر دول و امم معاهده هایی به نامها مهاده و یا مواده منعقد و مرسوم گردیده نوعی معاهده تلقی می شود که با امضاء آن آثار حقوقی ایجاد میگردد. در حقوق اسلام معاهده به معنای وسیع کلمه بکار رفته است. به نحوی که توافق با یک قبیله یا بعضی از طوایف و اقوام به عنوان معاهده معتبر و لازم تلقی می شود، بنابراین معاهدات در اسلام مشمول قواعد بین المللی تعریف شده در حقوق بین المللی غربی و معاصر نمی گردد. در دین اسلام معاهدات بین المللی مشروع بوده، زیرا انعقاد آنها راه و وسیله ای است برای تحقق اهداف عالیه اسلام بنابراین امام و پیشوای مسلمین می تواند با غیر مسلمین موافقتنامه هائی را چنانچه صلاح دین و امت باشد و یا موجب تالیف قلوب آنها به سمت مسلمین گردد، منعقد نماید.

قرآن مجید در سوره های توبه، آیه ۷ و نساء آیه ۹۰ و انفال آیه ۶۱ انعقاد معاهده با حکومت های غیر اسلامی را مجاز شمرده است. از آنجائیکه معاهدات عبارت از قراردادهایی هستند که بین دو یا چند تبعه حقوق بین الملل منعقد شده تا بعضی از آثار حقوقی تولید نمایند، چه در یک سند و چند سند متصل به هم لذا اسنادی یا قراردادهائیکه یک طرف آن تابع مستقیم حقوق بین الملل نباشد، معاهده نخواهد

بود مانند: قراردادهای منعقد شده با اقوام غیر متمدن یا طوایف بومی - سند ازدواج

اعضای خانواده سلطنتی - موافقتنامه های منعقد بین کشورها و اشخاص خارجی اعم

از حقیقی یا حقوقی

انواع معاهدات در حقوق ایران

عمده ترین تقسیمی که امروزه در نزد محققان و نویسندگان مختلف مورد توجه قرار

گرفت و در سالهای اخیر در روابط بین المللی ایران به نحو چشمگیری رایج شده است ،

تقسیم توافقیهای بین المللی به معاهدات رسمی که به انگلیسی Treaty و به فرانسوی

Traite "stricto sensu" خوانده می شود و تفاهم نامه ها که به فرانسوی **les accords**

en forme simpliffee و به انگلیسی **Executiues Agreements** خوانده می شوند

می باشد .

که در معاهدات رسمی تشریفات تنظیم معاهده ، به نحو کامل و در مراحل مختلف بتدریج

به انجام می رسد و حال آنکه در تفاهم نامه ها این امر به نحو اختصاری و سریع تحقق می

پذیرد.

“ معاهدات رسمی ”

بنابر تعریف معاهده رسمی عبارتست از معاهده ای است که با انجام تشریفات کامل بین مقامات صالحه تدوین معاهدات در دو یا چند کشور منعقد و منشا حقوق و تکالیفی قانونی برای کشورهای مربوطه میگردد. مقصود از تشریفات کامل ، انجام اقدامات مختلف و منظمی است که در حقوق ایران عبارتند از:

انجام مذاکرات ، امضاء مقدماتی (بوسیله نمایندگان مجاز) ، تصویب آن در مجلس شورای اسلامی ، تایید شورای نگهبان ، امضاء نهائی ریاست جمهوری ، انتشار در روزنامه رسمی ، مبادله اسناد تصویب ثبت معاهده در دبیرخانه سازمان ملل متحد .

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فقط معاهدات رسمی مورد توجه قرار گرفته و بموجب اصل ۷۷ آن تصویب معاهدات بین المللی در مجلس لازم شمرده شده است . معاهدات مذکور شامل عهدنامه ، مقاله نامه قرارداد و موافقتنامه ذکر شده است .

در اصل ۱۲۵ قانون اساسی علاوه بر موارد فوق امضای پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی را نیز پس از تصویب مجلس با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او می داند .

عهدنامه

عهدنامه معاهده ایست که با تشریفات کاملاً رسمی در مورد اساسی ترین روابط بین دو یا چند کشور منعقد می شود. در بعضی موارد امضاء عهدنامه در اجلاسیه ای با حضور

روسای کشورهای ذینفع به امضاء می رسد. به عنوان مثال می توان از عهدنامه های مودت و اقامت بین ایران و اسپانیا ، ایران و اتریش (۹ سپتامبر ۱۹۵۹) ایران و آلمان و ایران و لهستان ، ایران و ترکیه و ایران و خیلی از کشورهای دیگر ذکر نمود. (۱۲ مارس ۱۹۵۶)

مقاله نامه (کنوانسیون)

معمولاً مقاله نامه به معاهده ای اطلاق می شود که به صورت چند جانبه بین ممالک متعددی تنظیم شده و هدف آن تدوین قواعد حقوقی است. مانند کنوانسیون مورخ ۸ دسامبر ۱۹۴۹ در خصوص وضعیت اسرای جنگی و همچنین کنوانسیون مورخ ۳۱ اوت ۱۹۴۸ درباره مقاله نامه راجع به منع کار اجباری ، مقاله نامه های مربوط به تبعیض در استخدام و اشتغال مورخ ۲۵ ژوئن ۱۹۵۸ و مقاله نامه در مورد تخلفات ناشی از قرارداد استخدام کارگران بومی مورخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۵۵.

موافقتنامه

موافقتنامه که در انگلیسی agreement و در فرانسوی accord خوانده می شود معاهده ای است که روابط دو کشور را در زمینه های مختلف اقتصادی ، تجاری ، فرهنگی ، مالیاتی ، حمل و نقل و غیره تنظیم و تعهدات دو جانبه ای را ایجاد می کند. مانند موافقتنامه فرهنگی - هنری بین دولت ایران و دولت الجزایر و موافقتنامه سرویسهای حمل و نقل

هوائی بازرگانی بین ایران و دانمارک ، موافقتنامه همکاری اقتصادی ایران و آلمان و موافقتنامه سرحدی بین ایران و ترکیه .

ممکن است موافقتنامه بین چندین کشور و یا سازمان بین المللی منعقد شود . مانند موافقتنامه بین آژانس بین المللی و انرژی اتمی دولت ایران و دولت آمریکا برای انجام اقدامات تامینی که در ۱۳ آذر ۱۳۴۳ در وین امضاء شد.

پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی

منظور از پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی که در اصل ۱۲۵ قانون اساسی به کار برده شده ، هر نوع معاهده ای است که دولت ایران را در یکی از تشکیلات بین المللی وارد نماید ، خصوصاً اگر به صورت پیمان اتحاد باشد مانند پیمان بغداد قانون اجازه الحاق دولت ایران به همکاری متقابل متحده بین دولتین عراق و ترکیه مصوب ۱۳۴۳/۰۷/۳۱ و نیز بعضی از عضویتها در سازمانهای بین المللی . اصطلاحاتی که برای نامگذاری معاهده تاسیس چنین اتحادیه های بین المللی بکار برده می شود عبارتند از: اساسنامه ، منشور ،

میثاق

اساسنامه

در حقوق بین الملل عبارت از سند بین المللی است که مشخص کننده یک سازمان بین المللی و حدود صلاحیتها و وظایف آن باشد ، مانند اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری

، اساسنامه سازمان بهداشت جهانی، اساسنامه دادگاه بین المللی نورمبرگ و یا ممکن است وضعیت یک سرزمین را از نظر حقوق بین الملل مشخص نماید مانند اساسنامه "ممل" () بموجب معاهده ورسای منطقه ممل را آلمان به متفقین نمود که طبق اساسنامه مذکور وضعیت آن مشخص شده ولی بعداً به لتونی شوروی ملحق گردید. و ممکن است مجازاً به معنی صورتجلسه مذاکرات نمایندگان کشورها درباره یک قضیه بین المللی و مترادف مقاله نامه (کنوانسیون) بکار می رود.

منشور

سندی است که یک سازمان بین المللی را ایجاد و صلاحیتها و نحوه فعالیت آن را مشخص می نماید، مانند منشور سازمان ملل متحد مورخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ مصوب ۱۳ شهریور ماه ۱۳۲۴ و در معنی دیگر منشور سندی بین المللی است که روسا یا نمایندگان چندین کشور اصول و موازینی را که در نظر دارند در روابط بین الملل مراعات و از آنها حمایت نمایند، در بردارد، مانند منشور آتلانتیک مورخ ۱۴ اوت ۱۹۴۱ توسط روزولت و چرچیل صادر شده و یا منشور حقوق بشر ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ که نمایندگان کشورها در سازمان ملل متحد صادر نموده اند.

میثاق

سندی است برای نامگذاری معاهده ای که یا بمنظور حفظ صلح و یا به جهت همکاری

نزدیک بین کشورهای امضاء کننده تنظیم می شود ، مانند میثاق جامعه ملل مورخ ۲۸

ژوئن ۱۹۱۹ و میثاق عمومی انصراف از جنگ مورخ ۲۷ اوت ۱۹۲۸ و یا میثاق حقوق بشر

مورخ ۱۹۶۷

تفاهم نامه های بین المللی

از آنجائیکه معاهدات رسمی برای تنظیم و لازم الاجرا شدن ، اقتضای تشریفات طولانی و مفصل دارد ، دولتها بر این شدند که از راه حلهای ساده تر و در مدت کوتاهتری استفاده کنند . لذا توافقهایی بین المللی دو کشور در زمینه های اداری و اجرائی تحت عنوان “ تفاهم نامه های بین المللی ” در مهلتی کمتر و تشریفات بسیار محدود بین مقامات اجرائی دو کشور مورد مذاکره قرار گرفته و به امضاء می رسد. تفاهم نامه ها بدون سیر مراحل تشریفات معاهدات رسمی معمولاً همزمان مورد مذاکره قرار گرفته و به امضاء می رسد و نهایتاً فی المجلس مبادله اسناد انجام می شود.

اصولاً در حقوق بین الملل تفاوت بارز و اساسی که بین معاهده رسمی و تفاهم نامه وجود دارد مربوط به لزوم یا عدم لزوم تصویب آن توسط رئیس کشور است . به عبارت دیگر معاهدات رسمی به نام رئیس کشور منعقد و توسط وی مورد تصویب نهایی قرار می گیرد ، در حالیکه تفاهم نامه ها را مقامات اداری و اجرائی شخصاً امضاء می کنند ، اما از نظر ایجاد حق و تکلیف در روابط بین المللی هیچگونه تفاوتی بین معاهده و تفاهم نامه وجود ندارد، زیرا همه آنها جزء تعهدات بین المللی یک کشور که در دیوان دادگستری بین المللی قید کرده است ، به حساب می آیند .

در سالهای پس از انقلاب اسلامی بر تعداد تفاهم نامه های امضاء شده توسط مقامات اداری و اجرائی کشور و مقامات ممالک خارجی افزوده شده به نحوی که از بهمن ماه ۱۳۵۷ لغایت تابستان ۱۳۷۰ تعداد ۱۴۹ تفاهم نامه با کشورهای خارجی امضاء شده اند که نسخه اصلی آنها در آرشیو وزارت امور خارجه بایگانی گردیده است در حالیکه در همین مدت فقط ۲۲ معاهده رسمی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و کشورهای خارجی مورد مذاکره قرار گرفته و به امضای مقاماتی رسیده اند که از آنها ۵ موافقتنامه پس از تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان و امضای رئیس جمهور لازم الاجرا گردیده اند.

تفاهم نامه در موضوعاتی که اختصاص به آنها دارد و با احراز شرایط خاص خود معتبر و لازم الاجرا تلقی می شوند و علیرغم سکوت قانون اساسی در این زمینه و نظر به اینکه اصل ۷۷ قانون اساسی آنرا منحصر به معاهدات نکرده و اصل لازم الوفا بودن تعهدات بین المللی چنین توافق بین المللی را معتبر و قانونی دانسته است .

انواع تفاهم نامه های بین المللی

اسامی و عناوین متعدد انواع تفاهم نامه ها عبارتند از ، یادداشت تفاهم ، پروتکل ، صورتجلسه مذاکرات ، اعلامیه مبادله نامه و یادداشت

تفاوت معاهده و تفاهم نامه

۱) از نظر درجه الزام آوری و از لحاظ موضوع و محتوی (۲) معاهدات به عنوان قانون بین الملل بطور عام شناخته می شوند و اصول کلی و خط مشی اساسی در روابط بین الملل را معاهده بیان می کند و در تفاهم نامه به جزئیات پرداخته می شود. (۳) از نظر شکل و صوری معاهده دارای مقدمه و مواد مختلف به ترتیب می باشد در حالیکه تفاهم نامه از چند پاراگراف تشکیل می شود. (۴) برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم قطعیت معاهده پس از انجام تشریفات خود در قانون اساسی و مبادله اسناد می باشد و در تفاهم نامه از تاریخ امضاء می باشد.

مراحل تنظیم معاهدات رسمی در حقوق ایران

بطور کلی در ایران معاهدات رسمی طی سه مرحله تهیه و لازم الاجرا می گردند. مرحله اول، پس از انجام مذاکرات بین نمایندگان دو کشور، متن تهیه شده توسط آنان مقدمتاً به امضاء می رسد مرحله دوم، متن مذکور مورد بررسی و سپس تصویب مقامات تقنینی عهدنامه ها در ایران و کشور دیگر واقع خواهد شد. مرحله سوم، پس از مبادله اسناد تصویب معاهده، مندرجات آن لازم الاجرا خواهد گردید.

مرحله نخست در صلاحیت قوه مجریه و مرحله دوم در صلاحیت مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و ریاست جمهوری و مرحله سوم شامل اقدامات اداری و دیپلماسی است که توسط وزارت امور خارجه انجام می شود.

مذاکرات و امضای مقدماتی معاهدات

از آنجائیکه انعقاد هرگونه معاهده ای مستلزم انجام مذاکرات بین نمایندگان در کشور می باشد که در صورت موفقیت آمیز بودن مذاکرات و توافق نهایی متن حاصل، نمایندگان دو دولت مبادرت به امضای مقدماتی آن می نمایند.

نظر به اینکه صلاحیت قوه مقننه وضع قانون می باشد (اصل ۷۷ قانون اساسی) و در مورد معاهدات تصویب آنها به عهده مجلس است و با توجه به اینکه ریاست جمهور علی‌رغم دارا بودن سمت هماهنگ کننده قوای سه گانه و ریاست قوه مجریه (اصل ۱۱۳ قانون اساسی) و معمولاً امضای نهایی معاهدات توسط رئیس جمهور انجام می شود (اصل ۱۲۵ ق.۱) اما چون یک سمت اجرایی ندارد، لذا مستقیماً در انجام مذاکرات برای انعقاد یک معاهده شرکت نمی نماید. همچنین اصل انفکاک دو مرحله امضای مقدماتی و تصویب نهایی معاهدات ایجاب می نماید که مقامی که در تصویب نهایی معاهده ذی‌مدخل است در مذاکرات و امضای مقدماتی معاهده شرکت نداشته باشد.

بنابراین انجام مذاکرات برای انعقاد معاهده از وظایف و اختصاصات قوه مجریه است و شخص یا اشخاصی که اقدام به انجام مذاکره می نمایند باید دارای اعتبار نامه باشند (در گذشته در اکثر موارد هیئت وزیران اختیار مذاکره و امضای سند بین المللی را به مقام اجرائی ذیربط تفویض می نمود مانند تصویبنامه مورخه ۱۳۵۵/۰۳/۱۷ که به معاون بازرگانی خارجی اجازه و اختیار داده مذاکرات مربوط به انعقاد موافقتنامه بازرگانی بین ایران و فنلاند را انجام داده و موافقتنامه مذکور و ضمائم مربوط را امضاء نماید .

انجام مذاکره برای انعقاد معاهده در صلاحیت دولت مرکزی است . و در برخی کشورها بر اساس قانون اساسی برای مقامات ایالتی این اختیار شناخته شده است . در ایران چنین صلاحیتی برای استانداریها شناخته نشده است ولی بعضی از استانهای ایران در زمینه روابط تجاری ، توافقهائی خصوصاً راجع به مبادلات تهاتری کالا با مقامات استانهای کشور همجوار انجام داده اند که اکثراً در اجرای موافقتنامه های منعقد بین دو دولت می باشد و در برخی موارد مستقلاً انعقاد یافته که اعتبار آنها در حد یک " تفاهم نامه اجرائی " است و نه یک معاهده بین المللی .

مانند پروتکل تجاری بین استان آذربایجان غربی ایران و استان آغری ترکیه ، مورخ ۱۳۶۵/۰۵/۱۲ که به امضای استاندارهای دو استان مذکور در ارومیه رسیده است . و مانند

تصویب نامه هیئت وزیران به شماره ۴۷۱۴ مورخه ۱۳۵۹/۰۳/۱۹ در خصوص امضای قرارداد صدور نفت و مشتقات آن به کشور ترکیه و ورود کالاهای مورد نیاز استان به استانهای آذربایجان شرقی و غربی . نحوه انجام مذاکرات بین المللی در مذاکره دو جانبه برای انعقاد یک معاهده بین دو کشور از نوع کلاسیک مذاکرات بین المللی است ولی در مورد معاهدات چند جانبه محدود و یا معاهدات چند جانبه غیر محدود تحولات مختلفی در فکر و عمل بین المللی مشاهده میگردد . **در معاهدات دو جانبه معمولاً** وزارتخانه های امور خارجه دو کشور هماهنگی لازم بین سازمانهای دولتی ذیصلاح دو کشور برای انجام مذاکرات در پایتخت یکی از آنها را به تناوب برقرار می نمایند و طی یک یا چند اجلاس این مذاکره ادامه یافته و **احیاناً** به توافق نهایی منتهی می گردد.

بهرحال پس از انجام مذاکره هر معاهده ای قاعدتاً به امضاء خواهد رسید.

امضای مقدماتی معاهده

امضای مقدماتی معاهده در حقوق ایران ، پیش از امضای نهائی آن توسط رئیس جمهور و نیز قبل از تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی انجام می شود که مشابه همان است که در حقوق بین الملل صرفاً به عنوان امضای معاهده خوانده می شود و قبل از تصویب معاهده عمل میگردد.

چه کسی صلاحیت امضای مقدماتی معاهده را دارد؟

برای صالح شناختن نمایندگان دولتها برای امضای یک معاهده ارائه اعتبار نامه ضروری است. اعتبارنامه مذکور از طرف وزیر امور خارجه و یا نخست وزیر صادر میگردد. در رژیم سابق به تقلید از دوره قاجاریه اختیارنامه ای به امضای شاه آن هم پس از تصویب هیات وزیران به نماینده دولت داده می شد تا مذاکرات را انجام داده و معاهدات را امضاء نماید. مانند تصویبنامه هیئت وزیران مورخ ۱۳۴۵/۰۹/۱۹ در مورد اجازه امضای عهدنامه مودت بین دولت ایران و تایلند به سفیر ایران در بانکوک.

در بعضی کشورها رئیس جمهور نیز می تواند اعتبار نامه برای امضای یک معاهده صادر نماید، اما در ایران به نظر نمی رسد این رویه چندان با مقررات قانونی موجود و تفسیری که از صلاحیتهای رئیس جمهور مندرج در قانون اساسی بعمل می آید تطابق داشته باشد. در مواردی که نماینده فاقد اعتبار نامه لازم بوده و یا در پذیرش عهدنامه توسط دولت متبوع خود تردید داشته باشد معمولاً بجای امضای معاهده مبادرت به پاراف (امضاء مختصر) آن می نماید. مانند معاهده لوکارنو در ۱۶ اکتبر ۱۹۲۵ توسط نمایندگان کشورها پاراف و در اول دسامبر به امضاء آنها رسید. (در اینصورت حداکثر چند هفته پس از پاراف باید سرنوشت امضای مقدماتی معاهده مشخص گردد)

معاهده ای که توسط نمایندگان دو کشور به امضاء رسیده است تا چه

حدودی الزام آور می باشد؟

اگر در سندی که به امضای نمایندگان دو کشور رسیده ، تصریح شده باشد، که پس از تصویب و تصدیق معاهدات بر اساس تشریفات قانون اساسی لازم الاجرا است در این صورت صرف امضای مقدماتی معاهده الزام آور نخواهد بود و فقط قوه مجریه را متعهد می نماید که اقدامات لازم جهت انجام تشریفات تصویب معاهده را فراهم نماید.

ضمناً دولت مکلف است از هرگونه اقدامی که تصویب معاهده را توسط قوه مقننه ممتنع

می گرداند ، خودداری نماید. که ماده ۱۸ کنوانسیونهای وین ۱۹۶۹ تصریح می نماید : “

یک دولت بایستی از اقداماتی که معارض موضوع و هدف معاهده ای باشد احتراز نماید

هرگاه : الف) آن معاهده را امضاء کرده ب) وقتی که رضایت خود را به التزام به معاهده

در مهلتی قبل از لازم الاجرا شدن آن اعلام نموده ... اگر سند امضا شده توسط نمایندگان

رعایت تشریفات قانون اساسی قید نشده و قرائن دیگری نیز دلالت براین موضوع وجود

نداشته باشد، سند مزبور تفاهم نامه تلقی و مندرجات آن از تاریخ امضاء برای طرفین الزام

آور خواهد بود (مگر تاریخ دیگری تعیین شده باشد) البته همه چیز منوط به اعتبار

صلاحیت امضاء کننده می باشد.

از آنجائیکه امضاء مقدماتی یک معاهده الزاماتی را برای قوه مجریه ایجاد می نماید لذا اقتضاء می نماید جهت جلوگیری از مشکلات برای سازمانهای اداری قبلاً مشورتهای لازم بین سازمانهای اداری گوناگون انجام شود. در موارد ۳ و ۵ قانون وظایف وزارت امور خارجه مصوب ۱۳۶۴/۰۱/۲۰ در خصوص تکلیف کلیه نهادها و ارگانهای جمهوری اسلامی در تنظیم مناسبات و برقراری هر نوع ارتباط با دول خارجی و انعقاد قرارداد و همکاریهای مختلف با کشورهای خارجی و سازمانهای بین المللی برای هماهنگی با وزارت امور خارجه و تکلیف وزارت امور خارجه در خصوص فراهم آوردن موجبات تامین هماهنگی و ایجاد زمینه های لازم برای عقد قراردادهای ، عهدنامه ها و ... صحبت نموده است .

و ماده ۹ قانون صادرات و واردات سال ۱۳۶۵ کل کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۷ از تکلیف وزارتخانهها و سازمانهای دولتی در خصوص قراردادهای مبادله کالا قبل از امضاء با وزارت بازرگانی سخن به میان آمده است .

از آنجائیکه امضاء مقدماتی معاهده یک امر اجرائی است لذا از یک طرف قوه مقننه مداخله مستقیم در امضای مقدماتی بر عهده نخواهد داشت و از طرف دیگر آنها برای وی الزامی نمی باشد.

و امضای یک معاهده توسط نمایندگان دولت هیچگونه تکلیفی در تصویب آن برای مقامات قانونگذاری ایجاد نمی کند این موضوع در مجلس ملی سابق دو سه بار اتفاق افتاده است .

تصویب معاهدات بین المللی

“ تصویب ” یا Ratification عبارتست از تایید و اعلام موافقت قطعی مقامات صالحه یک کشور نسبت به امضای یک معاهده توسط نمایندگان دولت . لذا تصویب معاهده موجب التزام نهائی کلیه قوای مملکتی نسبت به اجرای مندرجات معاهده می باشد . و براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب و تصدیق حقوق معاهدات با تصویب مجلس شورای اسلامی و تایید شورای نگهبان و امضای آقای رئیس جمهور تحقق پیدا می کند .

تصویب معاهدات بدانجهت ضرورتی غیر قابل انکار می باشد که اولاً مقامات دو کشور پس از امضای مقدماتی با فرصت و تعمق بیشتر می توانند مجدداً معاهده را مورد بررسی قرار داده و مزایای آن را مورد ملاحظه قرار دهند و پس ثانیاً ممکن است مقامات دولتی امضاء کنند تغییر کرده باشند و یا افکار عمومی جامعه برداشتی غیر از نظرات قوه مجریه در مورد معاهده مزبور داشته باشند .

این موضوع در زمان نبوت حضرت رسول نیز بوقوع پیوسته ، و در معاهداتی که در زمان فتحعلیشاه بین ایران و روسیه منعقد شده صریحاً تشریفات تصویب معاهده پیش بینی شده است . در معاهده گلستان بین ایران و روسیه تزاری مورخه ۲۹ شوار ۱۲۲۸ ، ۲۱ اکتبر ۱۸۱۳ در فصل ۱۱ آمده است . “این شروط نامه الحال (عهد نامه حاضر) و از وکلای مختار مامورین دولتین مزبور تصدیق و با خط و مهر مختوم گردیده و مبادله با یکدیگر شده است ، می بایست از طرف اعلیحضرت امپراطور اکرم کل ممالک روسیه و از جانب اعلیحضرت ممالک ایران به امضای خط شریف ایشان تصدیق گردد

” .

شبه همین مقررات در فصل ۱۶ معاهده ترکمن چای مورخ ۵ شعبان ۱۲۴۳ یا ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ نیز دیده می شود .

بر اساس قانون اساسی سابق ایران مورخ ۱۳۲۴ قمری (اصل ۲۲) صلاحیت قوه مقننه در تصویب معاهدات را عام ندانسته و فقط معاهداتی که باید به تصویب برسد تصریح و

احصاء کرده و گفته “ مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت منتقل یا فروخته می

شود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت پیدا می کند به تصویب مجلس شورای ملی خواهد بود . ”

اصل ۲۴ قانون اساسی سابق نیز تصریح نموده بود: "بستن عهدنامه ها و مقاوله نامه ها و

اعطای امتیازات ... باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد، به استثنای عهدنامه هائی

که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد."

اصل ۵۲ متمم قانون اساسی سابق مورخ ۱۳۲۵ اعلام نموده بود: در خصوص استتار

عهدنامه ها بر اساس اصل ۲۴ ق. ۱۴۱ ذیقعه ۱۳۲۴ بعد از رفع محذور و با اقتضاء منافع و

امنیت ملی با توضیحات لازم از طرف پادشاه باید به مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود.

اعتبار و اهمیت تصویب معاهده بر اساس حقوق بین الملل معاصر

رویه قضایی محاکم بین المللی هرگونه معاهده ای را که نهایتاً به تصویب مقامات صالحه

کشور نرسیده باشد فاقد اعتبار تلقی می نماید دیوان بین المللی دادگستری (لا هه) در رای

۱۹۲۵ خود در قضیه "کمیسیون بین المللی ساحل ادر" در مورد التزام لهستان به

کنوانسیون بارسلون ۱۹۲۱ راجع به کشتیرانی در رودخانه های مرزی که بر اساس ماده ۳۲۸

عهدنامه صلح و رسای ۱۹۱۹ تدوین یافته بود اظهار نظر کرده که طبق ماده ۳ آن،

کنوانسیون مذکور بایستی به تصویب دولتهایی مخصوصی رسیده است، در حالیکه فقط

لهستان آن را امضاء نموده و متعاقباً از تصویب آن امتناع ورزیده است... بنابراین

کنوانسیون برای لهستان فاقد قوه الزام آوری خواهد بود.

“لعبدواان” قاضی معروف دیوان بین المللی و حقوقدان شهیر فرانسوی در دعوی

آنابلوس ”تنظیم و امضای یک توافق را بوسیله تصویب که اراده اعلام شده مورد تایید و التزام مقامات صالحه قرار میگیرد معتبر دانسته است .

از طرفی امتناع پارلمان از تصویب یک معاهده باعث بی اعتباری معاهده مزبور خواهد شد . مانند امتناع پارلمان نروژ از تصویب الحاق این کشور به معاهده رم ۱۹۷۵ موجب شد این کشور به عضویت جامعه اقتصادی اروپا در نیاید .

و همچنین مخالفت مجلس شورای اسلامی با ادامه عضویت ایران در شورای ورزشی ارشهای جهان موجب خروج ایران از سازمان مزبور گردید .

چگونگی تصویب معاهده در مجلس شورای اسلامی

براساس اصل ۷۷ قانون اساسی : “عهدنامه ها ، مقاله نامه ها ، قراردادها و موافقتنامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای ملی برسد .”

اصل ۷۷ قانون اساسی از میان توافقه های بین المللی چهار واژه عهدنامه ، مقاله نامه ، قرارداد و موافقتنامه و اصل ۱۲۵ نیز “پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی ” را قابل

ارائه و تصویب مجلس شورای اسلامی شناخته است . از آنجائیکه قرارداد بین المللی عبارت از تعهدی است که برای خرید یا هر نوع تعهد دیگری در مورد انتقال کالا و یا خدمات و غیره بین دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی و یا سازمان دولتی در دو کشور

مختلف منعقد می شود. چون اینگونه قراردادها مشمول مقررات قانون مدنی یک یا چند کشور معین می باشند و ارتباطی به حاکمیت دولتها ندارند لذا معاهده محسوب نمی شوند و مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نمی گردند.

با این وصف در خصوص تصویب آنها در مجلس آرای مختلفی ارائه شده و شورای نگهبان بعنوان مرجع رسمی برای تفسیر قانون اساسی نظریات مختلفی ارائه کرده است.

از یکی از عبارات شورای نگهبان استنتاج می شود که بررسی و تصویب کلیه قراردادهای بین المللی را طبق اصل ۷۷ بر عهده مجلس شورای اسلامی ضروری می شناسد زیرا گفته است: "بدیهی است قراردادهایی که بر مبنای این موافقتنامه منعقد می شود و طبق اصل ۷۷ قانون اساسی به تصویب مجلس شورای اسلامی نیاز دارد، به موقع به تصویب مجلس خواهد رسید.

در اینجا کاملاً واضح است که کلمه "قرارداد" در این جمله مطلق توافق بین المللی را مدنظر داشته و نه قرارداد بین المللی "به معنای حقوقی بر این اساس هیچگونه ضرورتی بر بررسی و تصویب قراردادهای بین المللی توسط مجلس شورای اسلامی نمی باشد.

در نظری دیگر شورای نگهبان در پاسخ به نخست وزیری به شماره ۸۵۱۱۴ مورخه ۱۳۶۰/۰۸/۰۲ اعلام نمود: "قراردادهایی که یک طرف آن وزارتخانه یا موسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر قرارداد شرکت

خصوصی می باشد ، قرارداد بین المللی محسوب نمی شود و مشمول

اصل ۷۷ قانون اساسی نمی باشد . ”

شورای نگهبان در نظر به شماره ۲۰۰۹ مورخ ۱۳۶۳/۰۸/۱۶ گفته است : “ اصل ۷۷ قانون اساسی با توجه به اصل ۱۲۵ از قراردادهائی که برای انجام معامله بین وزارتخانه ها و سایر سازمانهای دولتی ایران و شرکتهای خارجی دولتی که دارای شخصیت حقوقی باشند منعقد می گردد ، منصرف است و موارد خاص اینگونه

قراردادها در صورتیکه ضوابط کلی آن بموجب قانون عادی تعیین شده باشد ، نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد . ولی قانون عادی می تواند انعقاد بخشی از این قراردادها را نیز بطور محوری موکول به تصویب مجلس شورای اسلامی بنماید . ”

علیهذا بطور خلاصه می توان چنین نتیجه گیری کرد : (۱) انعقاد قراردادهای بین المللی چون اصولاً از اعمال اجرائی و اداری با تجار و ارباب صنایع و تشکیلات اقتصادی خارجی است ، مشمول اصل ۷۷ نمی گردد ، ولی این امر مانع از آن نیست که قوه مقننه از باب نظارت بر امور اجرائی ، از دولت در مورد نحوه یک قرارداد خارجی و انجام یک معامله با طرفهای خارجی اخذ توضیح بخواهد اصل ۷۶ قانون اساسی و چنانچه تشخیص داد در معامله رعایت ضوابط قانونی نگردیده و یا از حدود صلاحیتهای قانونی تعدی شده است ، با طرح مسئولیت مقامات اجرایی ، احیاناً اعتبار قرارداد را مورد تردید قرار میدهد . (۲) در

برخی موارد مهم به لحاظ اهمیت و اثرات آن به شئون اقتصادی و سیاسی و فرهنگی

تصویب آنها از طرف مجلس ضروری می باشد .

در خصوص تصویب پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی این سوال مطرح می شود

که آیا هر گونه عضویت ایران در مجامع ، سازمانها ، تشکیلات و یا فعالیتهای بین المللی

مشمول این قاعده می باشد و نیاز به تصویب مجلس دارد ، یا فقط برخی از این عضویتها

موکول به طی آن مراحل و تشریفات معاهدات رسمی است .

براساس رویه های معمول که از سالها قبل در ایران معمول بوده ، اجازه پارلمان برای

عضویت در کلیه سازمانها و فعالیتهای بین المللی کسب می شده است . و در قانون اساسی

جمهوری اسلامی نیز تا کنون ادامه داشته است زیرا در اندیشه مقامات قانونگذاری ها، هر

نوع مشارکت در مجامع و تشکیلات بین المللی یک نوع پیمان بین المللی محسوب می

شود و بنابراین تصویب قوه مقننه ضروری است .

مانند قانون اجازه الحاق دولت ایران به قرارداد سازمان بین المللی اندازه

شناسی ، قانون اجازه عضویت موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران در

انجمن جهانی سازمانهای تحقیقات صنعتی و فنی و کمیته اروپائی بتن قانون

عضویت رادیو و تلویزیون ملی ایران در اتحادیه رادیو و تلویزیون آسیا و

...

از نظر لغوی هم آنچه که مورد توجه قانون اساسی بوده "پیمان" است و نه مطلق هر نوع عضویت و از این گذشته پیمان مذکور باید مربوط به "اتحادیه های بین المللی" باشد و نه هرگونه سازمان یا تشکیلات و یا فعالیتهای بین المللی بطور عموم به همین ترتیب قانون بودجه عمومی ۱۳۶۱ کل کشور در تبصره ۶۷ آن عضویت ایران در سازمانها بین المللی را منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی و پرداخت حق عضویت آنها را موکول به تایید هیات وزیران نموده است متعاقباً قانون متمم بودجه سال ۱۳۶۱ در تبصره ۱۴ خود بطور عمومی تری این وظیفه دولت را روشن و برای آن ضرب الاجل شش ماهه تعیین نمود. لایحه تقدیمی دولت راجع به عضویت ایران در سازمانها و مجامع بین المللی سرانجام در تاریخ ۱۳۶۵/۰۱/۲۶ از تصویب مجلس گذشت.

سوال دیگری که قابل طرح است این که آیا موافقتنامه های فرعی نیاز به

تصویب مجلس دارد؟

رویه پارلمانی ظاهر بر این است که مجلس در هر صورت بایستی توافق جدید را مورد بررسی و تصویب قرار دهد شورای نگهبان نیز در یک مورد بطور صریح همین نظر را اعلام نموده بود. (نظر شورای نگهبان راجع به

ماده ۱۰ موافقتنامه همکاری فنی و اقتصادی ایران و لیبی مورخ

۱۳۶۰/۱۱/۳۰.

نظر به شورای نگهبان بر این اساس است که توافقه‌های جدید اگر در چهارچوب معاهده اصلی حاصل شده باشد نیازی به تصویب مجدد ندارد ولی اگر فراتر از محدوده ای است که در معاهده اصلی پیش بینی شده لازم است که به عنوان یک معاهده مستقل تلقی شده و تمام تشریفات مندرج در اصول ۷۷ و ۱۲۵ را طی نماید.

روشهای تصویب معاهده در مجلس

۱- ممکن است مجلس به قوه مجریه اختیار تنظیم و تصویب یک معاهده را اعطا نماید .
در رژیم سابق این رویه بسیار معمول بود ، چنانکه موافقتنامه فرهنگی ایران و بنگلادش ،
موافقتنامه همکاری ایران و آمریکا ، معاهده از میر که شکل حقوقی سازمان عمران منطقه ای را تنظیم نمود.

موافقتنامه مورخ ۱۳۴۳/۰۸/۲۸ راجع به لغو روادید بین ایران و کشورهای “بنلوکس” (بلژیک ، هلند ، لوکزامبورگ) مبادله یادداشت بین ایران و فرانسه در مورد لغو روادید که براساس اجازه مندرج در تبصره ۴۳ قانون بودجه اصلاحی ۱۳۴۳ ، توسط

هیات وزیران تصویب گردیده براساس اختیاراتی انجام شده بود که بموجب آن قوه

مقننه تصویب معاهده مذکور را به قوه مجریه واگذار نموده بود.

نمونه بارز اعطای وکالت پس از انقلاب اسلامی مجلس شورا اختیار تنظیم و تصویب

معاهده با کشور خارجی را به قوه مجریه اعطا نموده است، امضای بیانیه الجزایر بین

ایران و آمریکا در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۲ و در پی آزاد شدن اتباع امریکائی از محل

سابق سفارت آمریکا در تهران می باشد.

بنا به اظهار یکی از اعضای شورای نگهبان تنها مصوبه ای که در طول مدت

قانونگذاری مجلس تا به حال به شورای نگهبان ارسال نشده و شورا اظهار نظر نکرده

مصوبات مجلس در مورد شرایط چهارگانه برای آزادی گروگانهای امریکائی در

تاریخ ۱۳۵۹/۰۸/۱۱ بوده است.

روش دوم برای تصویب معاهدات در مجلس شورا معمول می باشد به این صورت

است که معاهداتی که مورد قبول و امضای نمایندگان دو کشور قرار گرفته اند و به

صورت لوایح دولت تقدیم شده و در مجلس شورا مورد بحث و بررسی قرار می

گیرند.

اصلاح معاهده در مجلس صرفاً جنبه شکلی داشته و مربوط به نحوه نگارش مواد معاهده بین المللی است و در بعضی موارد جنبه تغییری دارد و با روح آن مغایرتی ندارد.

تصویب معاهدات در مجلس طبق یک آیین ویژه

از مهرماه ۱۳۶۲ که آئیننامه جدید داخلی مجلس تصویب و به اجرا گذارده شده، رسیدگی مجلس شورای اسلامی نسبت به معاهدات طبق رویه ویژه ای که در مواد ۱۰۸ به بعد مقررات مذکور پیش بینی شده است.

صورت عملی به خود می گیرد. از خصوصیات این روش طبقه بندی معاهدات، به معاهدات عادی و معاهدات مهم است و برخلاف لوایح مربوط به قوانین داخلی، هیچگونه تغییر و تبدیلی در کلمات معاهده به هنگام تصویب وارد نمی شود.

معاهدات عادی یک شوری است که معاهده پس از صحبت دو مخالف و موافق در کلیات و جزئیات هر کدام حداکثر به مدت ۱۵ دقیقه به رای گذاشته می شود اما معاهدات مهم دو شوری است که در یک شور کلیات با توجه به مواد طبق ماده ۱۱۳ بحث خواهد

شد و براساس ماده ۱۱۴ آئین نامه داخلی مجلس در شور دوم کمیسیون مورد اعتراض و پیشنهادات نمایندگان و همچنین نظرات خود را ... مطرح می کند و آنگاه تنها درباره موارد اعتراض نمایندگان که بطور کتبی و در مهلت مقرر به کمیسیون داده شده باشد ، به ترتیب نماینده اعتراض کننده و یک مخالف و یک موافق هر کدام بمدت ۵ دقیقه صحبت می کند و سپس درباره وارد بودن و یا نبودن اعتراض رای گیری بعمل می آید .

بطور خلاصه ، آئین ویژه تصویب معاهدات که در مواد ۱۰۹ به بعد آئیننامه به بعد آئیننامه داخلی مجلس بیان گردیده است تنها در موردی قابل اعمال می باشد که به پیوست آن متن یک معاهده بین المللی که قبلاً به امضای مقاماتی نمایندگان دولت ایران و دولت (های) دیگر رسیده است ضمیمه شده باشد معمولاً در انعقاد معاهدات دو جانبه و چند جانبه از حق شرط نیز استفاده می شود .

حسب نظریه خرداد ماه ۱۳۶۳ شورای نگهبان برای شور یک معاهده در مجلس قبلاً باید متن آن را در اختیار کلیه نمایندگان قرار گیرد . اعم از آنکه معاهده دو جانبه باشد یا چند جانبه . برای تسهیل این امر اخیراً از روشی استفاده می شود که بموجب آن در مورد کنوانسیونهای مفصل و فنی ، دولت مبادرت به تهیه گزارش تفصیلی در مورد خصوصیات مقاله نامه و آثار و نتایج آن و اجمالی از مندرجات نموده و آنرا در اختیار کمیسیون مربوطه برای مراجعه و استفاده نمایندگان مجلس قرار میدهد .

* تایید معاهده توسط شورای نگهبان

در قانون اساسی اشاره ای به صلاحیت شورای نگهبان ننموده است ولی نظر به اصل ۹۴
قانون اساسی که مقرر می دارد: “ کلیه مصوبات مجلس شورای ملی باید به شورای نگهبان
فرستاده شود . شورای نگهبان موظف است آن را حداکثر ظرف ده روز از تاریخ وصول
از نظر انطباق بر موازین اسلام و قانون اساسی مورد بررسی قرار دهد و چنانچه آنرا مغایر
بیند برای تجدید نظر به مجلس باز گرداند . در غیر اینصورت مصوبه قابل اجراست . ” و
به جهت عمومیت این اصل و اطلاق عبارت “ کلیه مصوبات ” در ابتدای آن ، تایید شورای
نگهبان نسبت به معاهدات منعقدہ بین دولت ایران و دولت های خارجی ضروری می باشد.
روشی که در ابتدا شورای نگهبان نظرات خود را در مورد معاهدات بین المللی اعمال می
نمود به صورت تایید مشروط مندرجات معاهده بود . بدین ترتیب که اگر شورای نگهبان
قسمتی از مندرجات معاهده را مغایر موازین اسلامی و قانون اساسی تشخیص میداد ، در
نظریه خود این مطلب را تصریح می نمود و بعد به مجلس شورای اسلامی ارسال میداشت
و نهایتاً شرط مذکور توسط نخست وزیر به وزارتخانه ذیربط به ضمیمه معاهده ابلاغ و در
روزنامه رسمی منتشر می گردید و همچون شروطی بر تصویب معاهده از طرف مقامات
تقنینی ایران در قبال کشور خارجی محسوب می شد . در برخی موارد این نظرات حتی
درباره مقدمه معاهده که فاقد حجیت است ، مطرح شده و یا در مورد مسائل شکلی

معاهده از قبیل تاریخ تنظیم معاهده و یا راجع به تغییر یکی از مقررات معاهده عنوان

گرفته است. مثلاً شورای نگهبان در نظریه شماره ۷۸۲۰ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۰

در مورد موافقتنامه همکاری اقتصادی، علمی و فنی بین ایران و لیبی به

ریاست مجلس چنین اظهار نظر نموده است: " نظر به اینکه در مقدمه

عبارت " نظام اقتصادی جهانی نوین " با توجه به عبارات قبل و بعد آن اشعار

به نظام سوسیالیزم دارد از لحاظ انطباق با موازین شرعی به تأیید اکثریت

فقهای شورا نرسید. "

مثلاً شورای نگهبان در نظریه ۷۵۸۳ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۶ در خصوص موافقتنامه مبادلات

کالا بین دولتین ایران و سوریه برای سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۱ اعلام نموده است: " نظر به

اینکه طبق اصل ۱۷ قانون اساسی مبدا تاریخ رسمی کشور، هجرت حضرت محمد (ص)

پیامبر اسلام می باشد، بنابراین در اسناد و مکاتبات رسمی دولتی باید تاریخ هجری ذکر

شود و عنوان لایحه و بند یک ماده یک لایحه که منحصراً تاریخ میلادی را ذکر نموده

است مغایر با قانون اساسی است. یا مثلاً در موافقتنامه بلند مدت بازرگانی بین ایران و

پاکستان، طبق نظریه شورای نگهبان خرید خرچنگ و امثاله منحصر به موارد محله آن

شده است.

ولی اخیراً شورای نگهبان همسان با رویه ویژه ای که مجلس شورای اسلامی برای تصویب معاهدات اتخاذ نموده است به جای بیان شروط و قیود خود بر معاهده معتقده، لایحه را به مجلس عودت میدهد تا مجلس مواضع مورد اشکال را به دولت تذکر دهد و دولت نیز با مذاکره با کشور خارجی اقدام به رفع اشکال در متن معاهده نموده و گزارش امر را جهت اتخاذ تصمیم نهایی به اطلاع شورای نگهبان برساند .

پس از تایید معاهده توسط شورای نگهبان تصویب مقامات قانونگذاری انجام و متن معاهده توسط ریاست جمهوری به امضاء خواهد رسید .

امضاء نهائی معاهدات توسط رئیس جمهور

پس از آنکه معاهده توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و به تایید شورای نگهبان رسید براساس نظام حقوق داخلی ایران موضوع امضاء رئیس جمهور مطرح می باشد .

براساس اصل ۲۵ قانون اساسی : “امضای عهدنامه ها ، مقاوله نامه ها ، موافقتنامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای مربوط به پیمانهای اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی (ملی) با رئیس جمهور یا نماینده قانونی اوست .” در قانون اساسی ایران امضای معاهدات

توسط رئیس جمهور به عنوان اقدام نهائی در متعهد شدن کشور به مفاد سند بین المللی تلقی می شود . و امضای مذکور مفهومی غیر از امضای قوانین داخلی دارد زیرا در مورد

قوانین داخلی به منزله تایید می باشد ولی در مورد معاهدات به منزله اقدام نهائی در متعهد

شدن کشور نسبت به مندرجات آن است .

نحوه امضای معاهدات توسط رئیس جمهور و چگونگی اجرای اصل ۱۲۵ قانون اساسی در

چند سال اخیر تحولات و تغییرات مختلفی دیده است . در ابتدا امضای رئیس جمهور

همانند ابلاغ مصوبه مجلس به نخست وزیر تعبیر میگردید و آقای رئیس جمهور درحاشیه

نامه ریاست مجلس که تصویب یک معاهده بین المللی را اعلام نموده بود ، قید می کردند

: “ به دولت ابلاغ شود - امضای رئیس جمهور ”

و همین رویه به منزله اجرای اصل ۱۲۵ قانون اساسی شناخته می شد . سپس بعضی از

مسئولان نهاد ریاست جمهوری موضوع امضای توسط اعطای نمایندگی به یکی از وزرا را

مطرح کردند . بالاخره از سال ۱۳۶۳ امضای نهایی معاهدات بصورت تهیه یک فرمان در

آمده است که در آن تصریح می شود با لازم الاجرا شدن معاهده موافقت بعمل می آید .

و این سند توسط رئیس جمهور امضاء و مهر می شود . و تنظیم این فرمان به منزله اجرای

اصل ۱۲۵ قانون اساسی است .

در خصوص اینکه امضاء رئیس جمهور وظیفه او هست یا می تواند مانع اجرای معاهده

گردد . نیز سرانجام قانون تعیین وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری

مصوب ۲۲ آبان ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی در ماده ۶ تصریح می نماید : “ رئیس

جمهور یا نماینده قانونی او موظفند عهدنامه ها ، مقاوله نامه ها و

قراردادهای دولت جمهوری اسلامی ایران با سایر دولتها و همچنین

پیمانهای مربوط به اتحادیه های بین المللی را پس از تصویب مجلس

شورای اسلامی امضاء نمایند . ” در طرح اولیه این قانون یک ضرب الاجل ده

روزه برای امضای رئیس جمهور پیش بینی شده بود

که پس از جلسه علنی مجلس حذف شد . به هر جهت ، در حال حاضر رئیس جمهور

موظف است پس از تصویب مجلس مبادرت به امضای یک معاهده بین المللی نماید

علیرغم اینکه این رویه مخالف ماهیت امضای معاهدات توسط رئیس جمهور است که در

واقع متعهد و ملتزم نمودن کشور ایران در قبال دیگر ممالک جهانی می باشد .

انتشار معاهده در روزنامه رسمی

مرحله بعدی از تشریفات تصویب معاهده بین المللی در حقوق داخلی ایران علاوه بر

تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان و امضای نهائی رئیس جمهور مرحله انتشار معاهده

در روزنامه رسمی کشور است .

در ایران از ابتدای مشروطیت تا کنون معاهدات رسمی معمولاً پس از تصویب پارلمان در

روزنامه رسمی کشور منتشر گردیده اند بر عکس تفاهم نامه های منعقد شده با سازمانهای

تابعه دولت خارجی بندرت در روزنامه رسمی چاپ می شوند ، چون این نوع توافقاتها

مراحل تصویب پارلمان و امضای رئیس جمهور کشور را طی می نمایند و مضافاً اینکه برای اتباع و شهروندان ایرانی ایجاد حق و تکلیفی نمی نمایند .

هر چند در سالهای اخیر به لحاظ اهمیت فوق العاده ای که ثبت و انتشار معاهدات در دبیرخانه سازمان ملل متحد یافته انتشار معاهدات در روزنامه رسمی کشورها اهمیت اولیه خود را از دست داده است ولی در هر صورت آخرین تشریفات رسمی شدن معاهده در حقوق داخلی ، انتشار آن در روزنامه رسمی است که عملاً مقدمه ای است بر لازم الاجرا شدن معاهده که با مبادله اسناد تصویب صورت قطعی به خود می گیرد .

مبادله اسناد تصویب معاهدات

پس از طی مراحل مذاکره و امضای مقدماتی و تصویب معاهده ، مبادله اسناد آخرین مرحله برای لازم الاجرا شدن یک معاهده بین المللی است . اهمیت مبادله اسناد تصویب نه تنها به جهت پایان یافتن تشریفات است که به معاهده قدرت قانونی و حقوقی می بخشد بلکه حتی اگر کلیه تشریفات تصویب معاهده انجام شود ولی اسناد آن بهر علتی بین دو کشور مبادله نشده باشد یا ترتیبات مورد توافق رعایت نگردیده و انجام تصویب به طرف مقابل اعلام نشده باشد معاهده لازم الاجرا نخواهد بود . بر اساس بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیونهای ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ وین راجع به معاهدات " اسناد تصویب " پذیرش ، تایید

یا الحاق بجز وقتی که معاهده مقررات دیگری را پیش بینی کرده باشد ،

دلیل بر رضایت یک کشور نیست به التزام به معاهده می باشد :

الف . هرگاه آن اسناد بین کشورهای متعاقد مبادله شده باشد

ب . یا نزد کشور نگهدارنده اسناد تودیع شده باشد

ج . و یا طبق توافق ، به کشورهای متعاقد یا نگهدارنده اسناد ابلاغ شده

باشد

بنابراین فقط پس از مبادله اسناد تصویب ، یا در مورد کنوانسیونهای چند جانبه پس از

تودیع سند تصویب است که تعهدات مندرج در معاهده لازم الوفاء خواهد بود . و ابلاغ و

اعلام ساده تصویب (بدون مبادله اسناد) به کشورهای متعاقد یا نگهدارنده اسناد هنگامی

می تواند به جای مبادله اسناد به کار گرفته شود که این رویه صریحاً در معاهده پیش بینی

شده باشد . مانند ماده ۲۰ موافقتنامه حمل و نقل هوائی سابق بین ایران و آمریکا مورخ

۱۳۳۵/۱۰/۲۳ که تصریح نموده بود " همینکه دولت ایران تصویب این موافقتنامه

را به دولت کشورهای متحده آمریکا اعلام کرد از تاریخ وصول اعلامیه

مذبور این موافقتنامه به اجراء گذاشته خواهد شد."

مثال در خصوص عدم داشتن اعتبار قانونی به لحاظ اعلام مبادله اسناد

معاهده قبلی راجع به آب رودهیرمند بین ایران و افغانستان ۱۳۱۷/۱۲/۰۶ که در

۱۳۱۸/۰۲/۱۸ در مجلس شورای ملی به تصویب رسید ولی به علت عدم مبادله اسناد هرگز

اعتبار قانونی و لازم الاجرا پیدا نکرد.

نحوه مبادله اسناد تصویب معاهده

در معاهدات دو جانبه معمولاً با تنظیم صورتجلسه مبادله اسناد تصویب

توسط نمایندگان کشورهای متعاقد به امضاء می رسد در ایران معمولاً

توسط معاون وزیر امور خارجه ایران از یک طرف و سفیر کشور مقابل از

طرف دیگر تحقق می یابد.

و دوم بوسیله ارسال یادداشت سیاسی انجام می شود و در معاهدات چند

جانبه که معمولاً کشوری به عنوان نگهدارنده (اسناد تصویب) سند تعیین

می گردد وظیفه چنین کشور وصول کلیه معاهدات راجع به معاهده و ابلاغ

آن به کشورها و مقامهای ذیربط است.

تاریخ لازم الاجرا شدن معاهده

در مورد تعیین تاریخ لازم الاجرا شدن معاهدات دو قاعده هست ۱- حاکمیت اراده و توافق متعاهدان ۲- تعیین مبدا لازم الاجرائی معاهده از زمان تایید قطعی آن و در برخی موارد نیز معاهده قبل از تاریخ اعتبار قطعی آن بطور موقت لازم الاجرا می گردد.

در ماده ۲۴ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین (درباره حقوق معاهدات) و کنوانسیون وین ۱۹۸۶ (درباره حقوق معاهدات بین دولتها و سازمانهای بین المللی) تحت عنوان "لازم الاجرا شدن" در بند یک تصریح می کند که "یک معاهده به صورت و از تاریخی لازم الاجرا می شود که در آن پیش بینی شده است و یا کشورهای طرف مذاکره بر آن توافق نمایند."

براین اساس اصولاً متعاهدان خود دامنه شمول التزامات منعقدہ را تعیین می کنند و قلمرو زمانی تعهدات مزبور یعنی تاریخ لازم الاجرا شدن و تاریخ پایان اعتبار مندرجات معاهده را نیز خود می توانند تعیین نمایند، اعم از اینکه در متن معاهده و همزمان با تنظیم آن این کار انجام شده باشد یا اینکه بعداً بر این امر توافق کنند.

در معاهدات دو جانبه ممکن است استثنائاً روز لازم الاجرا شدن توافق در متن معاهده قید شده باشد مانند موافقتنامه درباره لغو روادید بین ایران و مراکش که از روز اول مارس ۱۹۶۷ لازم الاجرا می گردید.

در برخی از معاهدات تاریخ امضای مقدماتی به عنوان مبدا لازم الاجرا بودن معاهده تعیین می گردد. که در این صورت در معاهدات رسمی جنبه موقتی داشته تا پس از تصویب بطور بطور قطعی رسمیت یابد. (مجلس لازم الاجرا شدن موافقتنامه فرهنگی و هنری ایران و الجزایر را مردود دانست) در مقابل موارد استثنایی فوق، رویه عمومی معاهدات رسمی این است که از تاریخ اتمام تشریفات مقرر در قانون اساسی مندرجات معاهده لازم الاجرا می گردد. در این صورت بر حسب مورد، ممکن است بلافاصله از زمانیکه تصویب معاهده به یکدیگر اطلاع داده می شود. (مانند ماده ۱۶ موافقتنامه ایران و فرانسه راجع به حمل و نقل هوایی مورخ ۱۳۳۹/۰۲/۰۱) یا از تاریخ مبادله اسناد تصویب، یعنی امضای صورتجلسه تبادل اسناد مذکور، مندرجات آن لازم الاجرا گردد. مانند ماده ۱۶ موافقتنامه فرهنگی و هنری بین ایران و الجزایر مورخ ۱۵ فوریه ۱۹۸۲ یا ۱۳۶۰/۱۱/۲۶ “ این موافقتنامه از تاریخ مبادله اسناد تصویب طبق تشریفات معموله در هر یک از دو کشور لازم الاجرا خواهد شد. ”

در پاره ای از معاهدات تاریخ تصویب مبدا اعتبار معاهده شناخته شده مانند عهدنامه و دادیه و تامینیه بین ایران و افغانستان مورخ ۶ آذر ۱۳۰۶.

در بعضی از معاهدات از تاریخ وصول دومین ابلاغیه ای که حاوی سند تصویب معاهده باشد مقررات آن لازم الاجرا خواهد گردید. مانند ماده ۸ موافقتنامه جهانگردی بین ایران

و سوریه مورخ ۱۳۶۳/۰۵/۰۱ و ماده ۱۲ موافقتنامه جهانگردی بین ایران و ترکیه و پاکستان مورخ ۸ اکتبر ۱۹۶۴ که در تهران به انگلیسی تنظیم و در ۱۳۴۴/۱۰/۱۸ به تصویب رسیده است. و یا با تعیین مهلتی بیشتر برای این کار، مبدا اجرائی معاهده را چند روز یا چند هفته پس از مبادله اسناد تصویب تعیین می نمایند. این رویه در خصوص معاهدات مهم مانند عهدنامه اقامت و تجارت و مانند آن آثار حقوقی متعددی برای اتباع طرفین ایجاد می کند بیشتر مشاهده می شود. (مانند موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل سرمایه گذاری بین ایران و آلمان فدرال مورخ ۱۳۴۴/۰۸/۲۰ مصوب ۱۳۴۶/۰۳/۰۱ که تاریخ اجرا را یک ماه پس از مبادله امضاء و تاریخ اعتبار را ده سال اعلام شده و ماده ۱۰ عهدنامه اقامت بین ایران و سوئیس مورخ ۱۳۱۳/۰۲/۰۵ که مدت اجراء را یک ماه پس از مبادله نسخ مصوبه اعلام داشته است.

برخی معاهدات عملاً سالها پس از امضای نمایندگان دو دولت مورد تصویب مقامات صالحه قرار گرفته و متعاقباً هم مبادله اسناد آن انجام شده. مانند پروتکل شرح ناحیه تلاقی سرحدات ایران و افغانستان و شوروی مورخ ۱۳۲۷/۰۴/۰۹ در سرخس به امضاء رسیده و در سال ۱۳۳۷ اسناد تصویب مبادله گردیده است. در پاره ای موارد به لحاظ ضرورت رعایت تشریفات تصویب و فوریت در اجرای معاهده، متعاهدین متعهد می شوند در مهلت معین اقدام به مبادله اسناد تصویب نموده و بلافاصله آنرا به مورد اجرا گذارند. مانند

ماده ۱۲ عهدنامه مودت ایران و افغانستان مورخ اول سرطان ۱۳۰۰ که سه ماه مدت از

تاریخ امضاء را معین کردند یا حداقل در اسرع وقت تشریفات قانونی را اجرا کنند .

مانند ماده ۱۵ موافقتنامه کمیاران سرحدی بین ایران و افغانستان مورخ ۵ تیر ۱۳۵۵ . ۱۵

روز پس از مبادله اسناد مصوب به موقع اجرا گذاشته می شود .

در معاهدات دو جانبه

اینگونه کنوانسیونها که اکثراً به منزله قوانین موضوعه در حقوق بین الملل تلقی می شوند با

شرایط سهلتری لازم الاجرا می گردند و متن آنها معمولاً فقط با تصویب تعداد محدودی

از کشورها که تعداد و احیاناً مشخصاتشان از قبل در کنوانسیون پیش بینی شده رسمیت

می یابد . برای مثال ، طبق مندرجات کنوانسیونهای چهارگانه صلیب سرخ مورخ ۱۲ اوت

۱۹۴۹ ژنو را شش ماه پس از آنکه لااقل دو سند تصویب تسلیم گردید اعتبار خواهد

داشت یا مانند کنوانسیون تاسیس سازمان یونسکو مورخ ۱۶ نوامبر ۱۹۴۶ که لازم الاجرا

شدن آن منوط به این شد که بیست کشور اسناد تصویب خود را تودیع نمایند .

در برخی کنوانسیونها تنها تعداد کشورها که اسناد خود را تودیع نموده باشند ضابطه لازم

الاجرا شدن نیست بلکه باید واجد بعضی ویژگیهای پیش بینی شده نیز باشند مانند ماده

۱۱۰ منشور سازمان ملل متحد که لازم الاجرا شدن آن را موقوف به تودیع اسناد تصویب ۵

عضو دائمی شورای امنیت و اکثریت دولتهای امضاء کننده است .

و یا در صندوق بین المللی پول لازم الاجرا شدن آن را منوط به تصویب حداقل ۹۰ کشور که مقدار پذیره نویسی سهامشان در صندوق جمعاً دوسوم سرمایه پیش بینی شده در مقررات بالغ گردد، نموده است.

لازم الاجرا شدن معاهده از زمان التزام قطعی به مندرجات آن

در صورت سکوت متعاهدان در تعیین مبدا لازم الاجرا شدن معاهده اصل بر این است که از زمان قطعی شدن معاهده مفاد آن لازم الاجرا است یعنی از تاریخی که معاهده آخرین مراحل تصویب و تایید خود را پشت سر بگذارد مندرجات آن لازم الاجرا می گردد و اگر تنها مرحله امضاء برای آن پیش بینی شده باشد از تاریخ امضاء معتبر شناخته می شود. بر این اساس بند ۲ ماده ۲۴ کنوانسیونهای ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ وین درباره حقوق معاهدات مقرر میدارد. "در صورتیکه هیچگونه پیش بینی و یا توافق (در مورد تاریخ لازم الاجرا شدن آن) بعمل نیامده باشد، معاهده پس از اینکه رضایت کلیه کشورهای طرف مذاکره نیست به التزام به معاهده احراز گردد، بلافاصله لازم الاجرا می شود."

در مورد معاهدات چند جانبه محدود، اصل بر این است که لازم الاجرا شدن توافق بین المللی موکول به تصویب آن توسط کلیه کشورهای عضوی می باشد. تشکیل اتحادیه های سیاسی، اقتصادی یا پیمانهای دفاعی یا نظامی اعم از منطقه ای یا غیر منطقه ای معمولاً این ویژگی را دارد که تمامی اعضا بالاتفاق باید تعهدات مندرج در آن را بر عهده

گیرند. پیمان بریان - کلوگ یا عهدنامه تحریم جنگ مورخ ۲۷ مارس ۱۹۲۸

که در ایران در تاریخ ۱۱ مهر ماه ۱۳۰۷ به تصویب مجلس شورا رسیده

است یا مانند پیمان بغداد که بعداً بنام پیمان ستو خوانده شد. پیمان

همکاری بین ایران - عراق و ترکیه مصوب ۱۳۳۴/۰۷/۳۱

در کنوانسیونهای بین المللی غیر محدود در ضمن یکی از موارد مقاله نامه های بین

المللی، تاریخ لازم الاجرا شدن معاهده که پس از تودیع تعداد لازم از اسناد تصویب

کشورهای عضو واقع می شود، پیش بینی میگردد ولی اصولاً مقررات شکلی کنوانسیون

بلافاصله لازم الاجرا است.

مقررات شکلی کنوانسیونها پس از تدوین نهائی بلافاصله لازم الاجرا هستند.

مقررات عمومی که در انتهای کنوانسیونها وضع می شود مانند نحوه اعلام رضایت

کشورهای مختلف نسبت به التزام به معاهده چه بصورت امضاء، چه تصویب و چه

پذیرش معاهده به لحاظ ماهیت و موضوعشان پس از تنظیم نهایی و تایید آن توسط

کنوانسیون دیپلماتیک تهیه کننده کنوانسیون بلافاصله لازم الاجرا می گردد.

اجرای موقت معاهده قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن اصولی آن

در برخی موارد معاهده به محض امضاء لازم الاجرا می گردد هر چند بعداً باید تشریفات

تصویب را طی نماید تا رسمیت لازم را پیدا کند ملاحظاتی سیاسی - دلایل جغرافیایی

مانند اجرای موقت معاهدات منعقدہ بین کشورهای غربی و چین و ژاپن در قرون ۱۸ و ۱۹

یا دلایل حقوقی مانند موافقتنامه های بازرگانی دولت فرانسه بر اساس قانون ۲۹ ژوئیه

۱۹۱۹ منعقد و اجرا کرده است .

ماده ۲۵ کنوانسیونهای ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ وین در این خصوص بیان داشته :

“ یک معاهده یا جزئی از آن می تواند تا زمانی که رسماً لازم الاجرا نگردیده موقتاً

در موارد زیر به اجرا نهاده شود :

الف - اگر معاهده چنین امری را مقرر داشته باشد

ب - و یا کشورهایی که در مذاکرات شرکت نموده اند به نحو دیگری بر این امر توافق

نموده باشند .

پایان

جهت خرید فایل word به سایت www.kandoo.cn.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

« منابع و مآخذ »

لغتنامه دهخدا - ترمینولوژی حقوقی - مجله حقوقی شماره ششم دفتر

خدمات حقوقی

کتاب تنظیم معاهدات بین المللی در حقوق کنونی ایران دکتر عنایت

کتاب حقوق بین الملل عمومی دکتر هوشنگ مقتدر

کتاب حقوق بین الملل عمومی دکتر ضیائی بیگدل

کتاب حقوق بین الملل عمومی دکتر عمادزاده

جهت خرید فایل word به سایت www.kandooon.com مراجعه کنید
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1
Directory:
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm
Title:
Subject:
Author: Atlas
Keywords:
Comments:
Creation Date: 4/10/2012 6:45:00 PM
Change Number: 1
Last Saved On:
Last Saved By: hadi tahaghoghi
Total Editing Time: 0 Minutes
Last Printed On: 4/10/2012 6:45:00 PM
As of Last Complete Printing
Number of Pages: 56
Number of Words: 7,985 (approx.)
Number of Characters: 45,517 (approx.)